

سازمان اساتید و منتقدان شعر ایران

ساسان سپنتا

صداهای بازمانده از رجال عصر قاجاری

مقدمه توضیحی و تاریخی

هنگامی که وصف سخنوران و خطباء نام‌آور دوره گذشته چون مرحوم حاج تاج نیشابوری «تاج الواعظین»، و مرحوم عبدالحمید صدر «صدرالمحدثین» را میخوانیم و درمی‌یابیم که نفوذ کلام و فصاحت سخن دلنشین آنان چه شورها در مجالس بپا میکرد و هنگامی که وصف مناجاتهای آسمانی مرحوم سیدحسین عندلیب را می‌شنویم یا روایاتی از نفوذ کلام مرحوم سیدجمال‌الدین اسدآبادی و کلام انقلابی و مهیج مرحوم سیدجمال واعظ و سخنرانیهای شورا فکن مرحوم ملک‌المتکلمین را میخوانیم. یا در حیطه هنر به وصف نغمه‌پردازیهای مؤثر و متین اساتید عصر ناصری چون مرحوم آقاعلی‌اکبر فراهانی و مرحوم میرزا حبیب سماع حضور و صوت دلنشین میرزا حبیب و سید رحیم میرسلیم، با وقوف باینکه روایت و توصیف هیچگاه نمیتواند آنگونه که شاید معرف کامل اصل اثر هنری باشد و تولید انگیزندگی کند بی‌اختیار این سؤال مطرح میشود که آیا فقط حاضران در جلسات اساتید فوق در آن شور و غوغاها شریک بوده‌اند؟

آیا صدای جادویی آن متکلمان و هنرمندان پس از لحظاتی که توسط شنونده درک شد دیگر برای همیشه نیست و نابود گشته است؟

آیا این «فرهنگ صوتی» را باید مشغول‌الایر تلقی کرد؟ شك نیست که صوت مختصاتی را در بر دارد که نوشتار از انتقال آن عاجز است و بسیاری از پدیده‌ها مانند تن - وقفه - تکیه - نواخت و ویژگیهای احساسی و عاطفی که بیانگر شخصیت و منش گوینده است از طریق نوشتار قابل انتقال نیست. از کلام شادی، رضایت، استفهام، تأکید و بسیاری مسائل دیگر استنباط میشود.

آیا روایاتی از قبیل اینکه نغمه‌پردازی فلان هنرمند مرغ را از طیران و آب را از جریان باز میداشت میتواند جان‌نشین خود را گردد؟ مسلماً جواب منفی است، چنانکه

هیچگاه توصیف خط نستعلیق میرعمادالحسنی القزوینی یا خط نسخ احمد نیریزی یا تابلوی نقاشی کمال‌الملک نمیتواند بجای خود اثر مؤثر واقع شود.

حال که سنو اول پیاپی رسید، این مسئله مطرح میشود که آیا با بازنگری به گذشته‌های دور، تا چه زمانی دست ما میتواند به آستان‌آنگونه آثار زنده «فرهنگ صوتی» برسد. تاچه دور و زمانی میتوان در شور و حال خطابه‌ها- نیایش‌ها- مراسم و اجراءهای هنری اصیل مشارکت داشت و از شنیدن آنها متنعم شد؟ آنچه مسلم است اینست که تا حدود یکصدسال پیش شیوه‌ای برای حفظ و ضبط و بازده امواج صوتی وجود نداشت. این عمل اولین بار در تاریخ ۱۲ اوت ۱۸۷۷ میلادی توسط مخترع معروف توماس ادیسن انجام گرفت که برای اولین بار با خواندن یک شعر چهار جمله‌ای در دستگاه «فونوگراف» که خود اختراع کرده بود پس از لحظه‌ای با کمال شگفتی صدای خود را از دستگاه شنید. این اولین بار است که صوت ضبط و بازپس داده میشود. بنا بر این کلیه اصوات حادثه از قبیل سنه فوق (تقریباً یکصدسال پیش) را باید عملاً مفقودالائرتلقی کرد. از آنجا که شرح چگونگی این اختراع و کار ادیسن در منابع دیگر آمده است، نظر به حجم این سطور در این بحث فقط به ذکر سابقه جریان در ایران میپردازم.

لازم به ذکر است که در نگرش ما بگذشته هرچقدر برای بررسی در بعد زمان دورتری گام برداریم موارد ابهام بیشتر و آثار بازمانده نادرتر و باز تولید و دسترسی به آن مشکلات خواهد بود. امروز با فراوانی دستگاههای ضبط صوت «کاست» که در اختیار هرکسی میتواند باشد و با فشار فقط یک دکمه میتواند هرچه بخواهد بماند کافی ضبط کند، شاید تصور این نکته مشکل باشد که زمانی در دوره قاجاریه امکان ضبط صدای خطباء و آثار موسیقی اصیل در تمام ایران فقط منحصر به یکی دو دستگاه اختصاصی بوده است که بدون استفاده از نیروی برق برای ثبت امواج صوتی با استفاده از چرخ دنده‌های متحرک و صفحه مرتشم میکای کوهی و زایده صیقلی یافته دست تراش سنگ یا قوت سفید، صورت مورد نظر را بر سینه ظریف و هموار موم «زنبور عسل» ضبط میکردند و بعد از گذشت تقریبی یک قرن برای بازپس آوردن و باز یافت فقط چند دقیقه از آن اصوات ضبط شده، چه اندازه تمهیدات فنی و حوصله و تجربه لازم است. از آنجا که هرچقدر به دوره معاصر نزدیکتر شویم در اثر تکامل و فراوانی دستگاههای ضبط آثار صوتی فراوانتر و سهل‌الوصولتر و امکان تحقیق درباره آنها بیشتر میسر است، در این مقاله هرچه از زمان حال بگذشته دورتر میرویم مطالب را مشروحتر مینویسم، یعنی از دوره معاصر که مسائل تحقیقش مهمتر است تقریباً ذکر بی‌میان نیآورده‌ام و هر قدر به گذشته دورتر میرویم چون کنجکاو خواننده محترم افزایش می‌یابد سعی میکنم تا حدی که حجم این سطور اجازه دهد مطلب را مشروحتر ذکر کنم، بنا بر این اگر از دوره معاصر یا سی‌چهل سال اخیر باختصار گذشته‌ام بدان علت است که منابع آن نسبتاً فراوانتر از دوره قبل از آنست.

امروز برای استفاده از ضبط اصوات بیشتر از دستگاههای کاست استفاده بعمل می‌آید. این سیستم از حدود بیست سال قبل که در هلند ابداع شد در ایران هم رواج

گرفت. بعلمت سهولت تعویض نوار و کمی وزن و سهولت کار بسرعت جای خود را بین عامه باز کرد ولی باوجود پیشرفت‌های چندسال اخیر در ساخت آن و ماده مغناطیسی نوار، معمدا برای ضبط‌های حرفه‌ای و تخصصی هنوز از ضبط نوار مغناطیسی قرقره‌ای (ریل) استفاده بعمل می‌آید که از نظر کیفیت و سهولت و پیرایش (ادیت) بر نوع سابق‌الذکر ترجیح دارد. دستگاه‌های نوار مغناطیسی از حدود سی سال قبل در ایستگاه رادیو مورد استفاده قرارگرفت و بعد بتدریج برخی علاقمندان به تهیه آن اقدام کردند قبل از آن چند دستگاه ضبط مغناطیسی «مفتولی» بایران وارد شد.

سابقه در ایران

در حدود سی و پنج سال پیش اکثر برنامه‌های رادیوئی بصورت زنده اجرا می‌گشت و امکان ضبط نیز برای همه میسر نبود. استفاده از گرامافون و صفحات ایرانی بیشتر با رواج رادیو که از سال ۱۳۱۹ خورشیدی شروع بکار کرد بتدریج کاهش یافت. صفحات گرامافون که تا آن تاریخ تهیه شده بود از سال ۱۳۰۶ خورشیدی شروع و تا حدود ۱۰ سال ادامه داشت و بیشتر در خود تهران ضبط اولیه انجام و در خارج روی صفحه دورویه تکثیر میشد. این صفحات توسط چند شرکت اروپائی تهیه می‌گشت و بیشتر شامل آثاری از نغمه‌پردازان آن عهد چون مرتضی‌نی‌داد - ارسلان درگاهی - صبا - معروفی - وزیری... بود. جنس صفحات مذکور از نوع کانوچوی شکننده بود که بادور ۷۸ دور در دقیقه ضبط و بهنگام بازده نیز باهمان دور بچرخش در می‌آمد. ضبط صفحه بایرق نیز از حدود یکسال بعد از آن تاریخ رواج گرفت، قبل از آن بعلمت بروز جنگ جهانی اول مدتی ضبط صفحه انجام نگرفت. ضبط صفحات گرامافون بطریق آکوستیکی باصفحات یکرو از سال ۱۳۲۳ هجری قمری (= ۱۹۰۶ میلادی) شروع شد که تا سال ۱۹۱۵ ادامه داشت. اولین قدمها را برای ضبط صفحه در ایران يك شرکت ماشین تحریر و گرامافون‌سازی برداشت. در سال ۱۸۹۹ يك شرکت اروپائی بنام شرکت گرامافون تشکیل شد که در ۱۹۰۱ م شعبه‌ای در هندوستان و در ۱۹۰۲ م شعبه و کارخانه‌ای در روسیه دائر کرد و یکسال بعد شرکتی بنام «گرامافون و ماشین تحریر» تشکیل شد که مدیر آن ژوزف برلینر (برادر امیل برلینر مخترع گرامافون صفحه‌دار) بود. شرکت مذکور در سال ۱۹۰۶ م شعبه‌ای در ایران دائر کرد. روش ضبط صدا بطریق آکوستیکی بود. بدین طریق که صدا بوسیله شیپوری که اطراف آنرا برای جلوگیری از بازآوایش صوت نوارپیچ کرده‌اند به دیافراگم منتقل کرده در اثر تبدیل ارتعاشات صوتی به مکانیکی، حرکات صفحه دیافراگم بوسیله سوزن حکاک روی صفحه‌ای گردان که از لایه‌ای از مواد نرم پوشیده شده است حک می‌گردد، پس از فعل و انفعالات لازم از آن صفحه قالبی سخت تهیه می‌گشت و باقراردادن صفحه‌های کانوچوئی گرم زیر قالب مذکور داخل دستگاه «پرم» شیپورهای صوتی قالب روی صفحه کانوچوئی نقش بسته و صفحه تهیه میشد.

اولین صفحات ایرانی صفحات یکرو بود و باصفحات کوچک ۱۷ سانتی‌متری شروع میشود که با اجراهایی از دسته اعتضادیه آغاز گشت و به تدریج از بسیاری

خوانندگان و هنرمندانی که در تمزیه‌های تکیه دولت شرکت داشتند صفحه گرامافون تهیه شد که از آنجمله‌اند - (خوانندگان): قربان خان - حاجی امین - رضاقلیخان - آقا حسین تمزیه خوان - سید احمد خان - طاهرزاده - میرزا ابوالحسن داود و جناب دماوندی، همراهی‌کنندگان آنان عبارتند از، قلیخان یاور «قره‌تی» - اکبرخان «فلوت» - صندر خان و نایب اسدالله «تی» - حسن خان و علی اکبرخان شاهی، میرزا عبدالله - میرزا حسینقلی - میرزا اسدالله - میرزا غلامرضا شیرازی - درویش خان - باقرخان - حسن خان «سایر ادوات» - معمولترین صفحات بتقلیر ۲۵ سانت و یکرو بود و بعد صفحات دو رویه معمول شد. بجز آن قطعات، برخی قسمتهای تأثر دوره مظفرالدینشاه هم در آن صفحات ضبط شده است که برای تاریخچه کار جالبست. آنچنانکه روی صفحات نوشته شده: تیارتر درویش و گدائی توسط شاهزاده صمد و مشهدی رمضان - تیارتر دوکور در مهمان‌خانه توسط سید احمد و مشهدی میرزا - کاکاسیاه با آقایش توسط حاجی لره و اکبرترک، از قطعات کمیک نیز چند صفحه ضبط شده مانند، آواز بیات گاو توسط شیخ شیپور.

در ذیقعد ۱۳۲۳ هجری قمری (= ژانویه ۱۹۰۶ م) که مصادف با سومین سفر مظفرالدینشاه به اروپا (پاریس) میباشد فرمانی برای ترویج و تسهیل فروش گرامافون باامضاء مظفرالدینشاه رسید. ۱. صفحه‌ای نیز توسط شرکت «گرامافون و ماشین تحریر» سابق‌الذکر از بیانات مظفرالدینشاه ضبط شد که شماره کاتالک آن اینست، C. 2-11000 و با القاب فراوان عنوان را روی صفحه نوشته‌اند. در صفحات بعدی که بازار آمد، گاه محتوای همان صفحات یکرو را دوباره روی صفحات دورویه چاپ کردند، همانگونه که ذکر شد در این صفحات تنها انرژی لازم برای ضبط و نوسان سوزن‌حکاک از خود صوت اخذ میشود. تبدیل امواج صوتی به حرکات مکانیکی سوزن بعلمت آنکه لامپ رادیویی هنوز اختراع نشده بود، بدون استعانت از برق انجام میگرفت. صفحات دیسک (صفحات معمولی گرامافون) از سال ۱۹۰۰ م معمول شد، در اثر تبدیل انرژی صوتی به مکانیکی بسیاری از ارزشهای کیفی صوت از بین میرفت و صدای حاصله حالت «فشرده‌گی» و «صدای درون قوطی حلبی» بخود میگرفت. گذشته از آن صفحات مذکور از نوع کائوچوی بسیار شکننده بود و از طرفی بعلمت کثرت استعمال و قرار گرفتن مکرر زیر سوزن فلزی تیز با دیافراگم ۲۵۰ گرمی در حدود نیم قرن بعد که با گذشت زمان حفظ ردیف اصیل موسیقی ایرانی و آشنائی به سبک قدما مطرح شد بر اثر اشکالات فنی فوق و بی‌مبالاتی و نبودن آرشيو رسمی دسترسی به اینگونه آثار با اشکال فراوان روبرو بود بطوریکه مرحوم روح‌الله خالقی مینویسد: «برای مطالعه روش موسیقی‌دانها دو وسیله بیشتر در دسترس نیست، صفحه گرامافون و اثری که نوشته شده باشد. از بعضی نوازندگان صفحه‌ای موجود نیست یا اگر هم باشد آنقدر کهنه و سوزن‌خورده است که چیز درستی

۱- متن فرمان مذکور در ماهنامه «وحید» شماره ۱۱ سال اول ۱۳۴۳ و مجله بررسیهای تاریخی موزخ خرداد و تیر ۱۳۵۰ و اطلاعات ماهانه جلد ۳ شماره ۶ چاپ شده است.

از آن درک نمیشود»^۲

نه فقط اینگونه صفحات دوره قاجار بلکه صفحه‌های دورویه بعد که از سال ۱۳۰۶ تا ۱۳۱۶ خورشیدی ضبط شد و تعدادی از آنها در اختیار استودیوی رادیو بود و برخی شامل بهترین آثار هنرمندان آن عهد بود و حتی تا چندسالی بعد از تأسیس رادیو از آن دستگاه شنیده میشد، دیگر از رادیو پخش نشد و از طرف آن دستگاه هم در حفظ آنها کوششی بعمل نیامد و بفراموشی سپرده شد. خالقی مینویسد: «باوجود این هنوز هم که بعد از ۲۸ سال نمونه‌هایی از این صفحه‌ها شنیده میشود از موسیقی عامیانه خیلی بالاتر است هرچند بعدها در جنگ بین‌الملل دوم بمباران هوایی کارخانه‌های این کمپانیها را از بین برد حالا دیگر این صفحات در بازار پیدا نمیشود ولی مرکز فرستنده چند نمونه از این صفحات را دارد که متصدیان آن دستگاه این صفحه‌ها را «موسیقی سنگین» مینامند و موسیقی سبکتری را که مغزشان قوه درک آنرا داشته باشد طالبند»^۳.

بمناسبت وضعی که اشاره رفت، نگارنده بگردآوری صفحات گرامافون، از اولین صفحاتیکه در دوره مظفردالدینشاه ضبط شده بود، پرداختم و بر مبنای آن آثار زنده به بررسی مکتبهای هنری موسیقی اصیل ایرانی پرداختم که تحت عنوان «سیر و تحول موسیقی ایران» و آواز ایران در سال ۱۳۳۷ خورشیدی بچاپ رسید^۴. مرحوم روح‌الله خالقی که با کار و آثار من آشنا بود در آن هنگام خود نیز بجمع‌آوری صفحات گرامافون اشتغال داشت و از آنجا که من صفحات را با تمهیدات فنی خاصی روی نوار مغناطیسی ضبط میکردم برخی ایام تعطیل باتفاق آن مرحوم بشنیدن نوارهای مذکور پرداخته و مباحثه مینمودیم، گاه مواردی که کسر داشت برای او ضبط میکردم و مواردی که نداشتم از مجموعه خود در اختیارم قرار میداد. در یکی از جلسات روزی اظهار داشت: «شما که این صفحات سوزن‌خورده را باین خوبی روی نوار آورده‌اید آیا میدانید که قبل از ورود صفحه بایران یکی دو دستگاه قدیمتری بنام «فتوگراف» آورده بودند که روی استوانه‌های آن اصوات را ضبط میکردند». گفتم در دیوان عارف خوانده‌ام که روزی نزد مظفردالدینشاه رفته بود و او را در حال ور رفتن با فتوگراف دیده بود و نوشته‌چند لوله‌ای هم از او ضبط کرده بود، در سفرنامه مظفردالدینشاه هم اشاره به خرید چند دستگاه فتوگراف هست. مرحوم خالقی گفت «دستگاهی که من میشناسم قبل از اینهاست و سالهاست که تعدادی از همان لوله‌های ضبط شده نزد یکی از رجال عصر قاجار است که پدرش یکی از رجال و داماد ناصرالدینشاه بوده و با اکثر رجال و هنرمندان و اساتید آندوره مراده داشته است و آثارشان و بسیاری از مجالس و محافل آندوره را وسیله همین فتوگراف ضبط کرده و آثار بسیاری از اساتید که امروز برای ما شناخت سبک و کار آنان به روایت بازماندگان و شاگردانشان اکتفا میکنیم در آن مجموعه موجود

۲- برگذشت موسیقی ایران بخش اول صفحه ۵.

۳- همان کتاب، جلد دوم، ص ۲۵۷ چاپ ۱۳۳۵ خورشیدی.

۴- ماهنامه موزیک ایران - مجله‌های خرداد تا اسفند ۱۳۳۷ (سال ۷) و سال هشتم

است که متأسفانه بعلت خراب شدن دستگاه اصلی مدت شصت سال است بیحاصل مانده و چند نفری دم که خواسته‌اند دستگاه را مرمت یا استوانه‌ها را بصدا درآورند موفقیتی حاصل نکرده‌اند. و هرچه بیشتر دستکاری شده دستگاه و لوله‌ها از صورت اصلی بیشتر خارج شده است...

بمصرفی مرحوم خالقی با تلفن قبلی در کوچه پشت بازارچه معیر در محل باغ معیر بحضور آقای دوستعلی‌خان معیرالممالک رسیدیم. ایشان در آئینگام (سال ۱۳۳۸ خورشیدی) در حدود هشتاد سال بنظر میرسیدند، پس از تعارفات معمول متداری از مقالات خود را بایشان تقدیم داشته و دنباله صحبت‌های آقای خالقی را با ایشان در میان نهادم.

سخنان معیرالممالک

ایشان اظهار داشتند، دستگاه اصلی فنوگراف مدت‌هاست در زیرزمین خانه زیر گرد و غبار پنهان است. پدرم مرحوم دوست‌محمدخان معیرالممالک که از رجال و داماد ناصرالدینشاه بود یا آن دستگاه که از فرانسه خریداری و بایران حمل شد کار میکرد. و آن هنگام در ایران یکی دو دستگاه بیشتر نبود. چون او بر اثر مشاغل مهمی که داشت و از طرف مادر من خانم عصمت‌الدوله دختر دوم ناصرالدینشاه با دستگاه ناصرالدینشاه ارتباط نزدیک داشت. با کلیه رجال و هنرمندان و اساتید موسیقی آنعهد مرآوده داشت. برخی ایام آنها اینجا منزل ما بودند و آثارشان را وسیله فنوگراف که اختراعی تازه بود، ضبط میکردند. در آن‌هنگام هنوز گرامافون و صفحه اختراع نشده بود بنا براین این لوله‌های مومی اولین وسیله‌ایست که اصوات و اثر منحصر بفرد اساتید گذشته را در سینه دارد. سالها بعد که گرامافون و ضبط صفحه بایران آمد عده‌ای از آن اساتید دار فانی را بدرود گفته بودند و برخی دیگر هم که عمری از آنها گذشته بود صفحه‌ای ضبط نکردند، اینستکه آثار آنها منحصر میشود بهمین لوله‌ها. تا زمانی که پدرم (دوست محمدخان) در قید حیات بود گاهی آن دستگاه را راه میانداخت و ما مستفیض میشدیم. ولی پس از درگذشت او دستگاه اصلی معیوب شد و تقریباً قریب پنجاه و اندی سال است که هرکس ب فکر مرمت آن افتاده نتیجه‌ای حاصل نشده است و وسائل حساس آنرا برای تعمیر برده‌اند اکثر مفقود کرده و در حال حاضر جز يك اسکلت فنوگراف چیزی باقی نمانده است، مقداری لوله‌های مومی هست که آنها هم بر اثر آزمایش‌های متنوع اکثراً ضایع شده و قابل استفاده فکر نمی‌کنم بشما توصیه میکنم وقت خود را هدر ندهید... از ایشان خواستم اجازه دهند نمونه نواری که از صفحات دوره مظفرالدینشاه

۵- مرحوم دوستعلی معیرالممالک بیستم آبان ۱۳۴۵ در تهران درگذشت. خاطرات و شرح حالش در دوره‌های هفتم تا یازدهم مجله «نیما» بچاپ رسیده است. کتاب یادداشت‌هایی از زندگی خصوصی ناصرالدینشاه از تألیفات او میباشد.

۶- مرحوم معیر بمن گفتم قبلاً يك نفر سرهنگ و یکی از آقایان مهندسی که شاگرد ستور حبیب سمعی بوده برای کارانداختن دستگاه و بصدا درآوردن لوله‌ها کوشش‌هایی کردند حتی دیافراگم آنرا به اروپا و آمریکا بردند ولی کار به نتیجه نرسید.

تهیه کرده بودم برای ایشان بیاورم بشنوند.

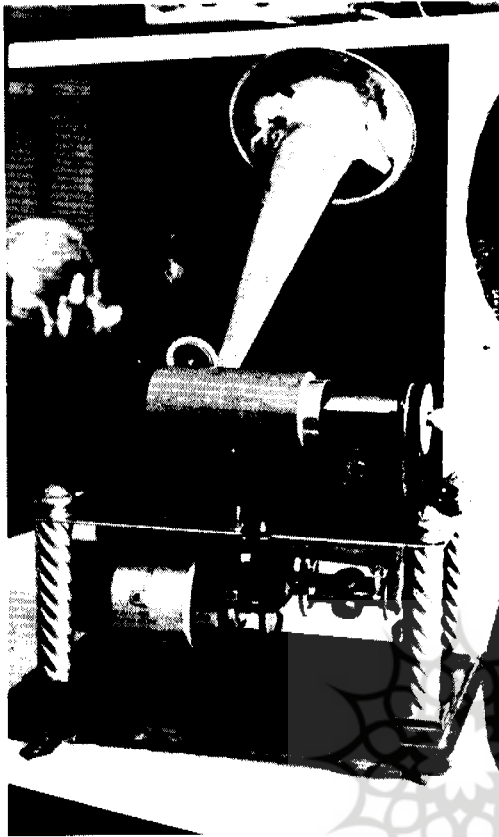
هفته بعد با دستگاه ضبط صوت بهمان منزل رفتم. چند قطعه اثر آقا حسینقلی و درویش را وسیله نوار بسمع ایشان رسانیدم. پس از شنیدن آنها و مذاکراتی قرار شد هفته بعد وسایل را آماده کنند. در دیدار بعدی دستگاه فنوگراف و چند لوله را حاضر کرده بودند روی میز بزرگی کنار اطاق نشستن ایشان که يك بوم نقاشی هم در گوشه دیگری بود قرار داده بودند. پس از بازدید آن ملاحظه کردم که دستگاه مذکور از نوع مدل M فنوگرافهایست که در کارگاه ادیسن در حدود سالهای حول ۱۸۸۹ میلادی ساخته میشد و لوله‌های مومی آن بطول ۵ سانت و طول ۱۰ سانت میباشد. در برخی از مدل‌های مذکور امواج صوتی بوسیله لوله و در برخی انواع دیگر بوسیله شیپور به دیافراگم منتقل میشد. حرکت استوانه بوسیله موتور جریان مستقیم که با پیل برق D.C کار میکرد تأمین میگشت. مرحوم معین گفت که ریختن مواد شیمیائی و آب متطرر در پیل دستگاه را پدرش بعهده داشته است.

پس از بررسی دستگاه باین نتیجه رسیدم که مرحوم معین حق داشت. چون برائرس دستکاری قبلی و گذشته زمان و مخفود شدن برخی وسائل حساس دستگاه، اسکلتی بیشتر از آن باقی نمانده و بهتر است بشکر ساختن وسیله دیگری باشم. اینستکه دو سه لوله از ایشان گرفتم و قرار شد پس از ساختن وسائل لازم و آزمایش لوله‌ها و اخذ نتیجه با ایشان تماس بگیرم. لوله‌ها در اثر گذشتن بیش از نیم قرن در مقابل حرارت و رطوبت تغییراتی حاصل کرده بود برخی مواد زائد شیارهای ظریف صدا را تحت تأثیر قرارداده بود و برخی هم دانه زده بود، برخی در اثر آزمایشها و دستکاریهای سابق به افزایش خشه سطح "noise" دچار بود. لازم بذکر است که لوله‌های فنوگراف مانند صفحه گرامافون قابل تکثیر و قالب‌گیری نبوده و بنابراین هرکدام از این لوله‌ها ضبط اصلی بشمار می‌آید و منحصر بقصد است و جزئی بی‌مبالاتی و اشتباهی کل اثر ضبط شده را برای همیشه منهدم میکند. پس از چند ماهی وسائل لازم را بسرای بازیافت صدای لوله‌های مذکور فراهم کردم. چون شرح خصوصیات فنی از حوصله این مقاله خارج است بطور بسیار خلاصه رئوس مواردی را که برای اخذ صوت آنها انجام دادم ذکر میکنم:

- ۱- تهیه استوانه فلزی (بالانس) با اندازه متناسب لوله‌های مذکور.
- ۲- تأمین سیستم حرکت‌دهنده و دوران آن با دوزر یکنواخت و قابل تنظیم با تأمین حداقل تغییرات در فرکانسهای کم و زیاد. (Min. Wow-flutter & rumble)
- ۳- بیرون آوردن شیارهای ظریف حك شده صوتی از زیر پوششهای زائد برای حصول حداقل خشه سطح.
- ۴- ساختن پیکاب الکترونیک با سوزن دست‌تراش از سنگ یا قوت سفید و نصب بر پیژوالکتریک ماده Zirconate که فرکانسهای ردیف بالا را با دامنه ثابتی ارائه میدهد با توجه به زاویه برش کریستالی آن و برش سوزن حكاك اولیه.
- ۵- محاسبه جهت تکانه‌های مکانیکی از عقب شیار در امتداد طولی سوزن و جهت

ورود تکانها به کریستال مذکور با در نظر گرفتن Hill & Dale .
 پس از چندماه اصوات ضبط شده بر چند لوله که بمن داده بودند باز یافت شد و پس از
 گذراندن از تعدیل کننده های الکترونیکی آنها بر نوار مغناطیسی ضبط کردم و برای استماع
 ایشان بر دم. ایشان در جلسات مکرر بعدی پس از استماع هر نواز باشوق بیشتری تعداد دیگری
 لوله ها را یافته و در اختیار اینجانب قرار میدادند تا سرانجام تعداد قابل ملاحظه ای از
 آن آثار جاویدان را احیاء و روی نوار مغناطیسی منتقل کردم. مرحوم معین از هر کدام از
 آن جلسات خاطراتی داشت و با شنیدن صدای والدین خود نیز در تأثری عمیق فرورفت.
 هنگامی که صدای مادرش عصمت الدوله را از نواز شنید گفت: دبیش از نیم قرن میگذرد
 که صدای مادرم را نشنیده بودم. فکر نمی کردم دیگر هرگز صدای او را بشنوم. در
 یکی از جلسات مذکور در دفتر یادبود من با خط خود شرحی نوشتند که چون روشنگر
 خیلی مطالب است عیناً کلیشه آنها ملاحظه میفرمایید.

در نظر شما دکتر خوشنویس سرتیتم در چند روزی که شنبه ام فخری در قریب دارم در لوله های ضبط شده
 صدای مادرم را شنیدم و در وقت صدای مادرم را شنیدم و در وقت صدای مادرم را شنیدم و در وقت صدای مادرم را شنیدم
 را یاد دارم و در وقت صدای مادرم را شنیدم و در وقت صدای مادرم را شنیدم و در وقت صدای مادرم را شنیدم
 صحبت اینده مرا خبر و در وقت صدای مادرم را شنیدم و در وقت صدای مادرم را شنیدم و در وقت صدای مادرم را شنیدم
 در یاد دارم و در وقت صدای مادرم را شنیدم و در وقت صدای مادرم را شنیدم و در وقت صدای مادرم را شنیدم
 در یاد دارم و در وقت صدای مادرم را شنیدم و در وقت صدای مادرم را شنیدم و در وقت صدای مادرم را شنیدم
 در یاد دارم و در وقت صدای مادرم را شنیدم و در وقت صدای مادرم را شنیدم و در وقت صدای مادرم را شنیدم
 در یاد دارم و در وقت صدای مادرم را شنیدم و در وقت صدای مادرم را شنیدم و در وقت صدای مادرم را شنیدم



۱۳۱۶
 چهارشنبه ۱۳ مرداد
 لطف حضرت سید الشهدا
 آیت الله العظمی محمد باقر
 مجلس علمیه

اولاد روح البزنج
 در تاسیس سید الله لطف غمزه
 ۱۳۱۶
 ۱۳ مرداد

در تاسیس سید الله لطف غمزه
 عرض صورت کتابخانه
 حضرت سید الشهدا
 آیت الله العظمی محمد باقر
 مجلس علمیه
 شب ۱۱ روال ۱۳۱۶

شب ۹ ریحانی
 ۱۳۱۶
 شب ۹ ریحانی

آنچه از آن مجموعه بدست آمد از اولین آثار بازمانده صوتی ضبط شده و باز پس آمده در ایران است که از نظر بررسیهای زبان و تطور و تحول زبان فارسی مفید است. صدای شخصیتهای معروف - آثار خطباء و گویندگان نامی، مطالعه در مراسم و اعیان سنن - مماع - نغمه‌ها و ردیف اصیل موسیقی ایرانی - سبک‌کار اساتید عصر ناصری که نغمات آنان هیچگاه با هیچ وسیله دیگری شنیده نشد،... منابع موجود میتواند مورد استفاده قرار گیرد.

پس از کشف این آثار طی چند مصاحبه رادیویی برخی از آنها را برای استماع عموم ارائه دادم. روزنامه‌های عصر انرمان برای آگاهی علاقمندانی که مایل به ضبط بودند قبل از پخش آن برنامه‌ها علاقمندان را از ساعت و محتوای آن آگاه کردند. میدانیم که در عصر ناصرالدینشاه و بیشتر در اواخر سلطنت او وسائل جدید از قبیل تلفون - جعبه‌سازهای کوچک - ارتشاع سنج - ساعت‌های بقلی و شماطه و زنگ‌دار و استفاده از نیروی برق در ایران معمول شد. محمد حسن‌خان اعتمادالسلطنه در المآثر والاثار ورود حافظه‌الاصوات را نیز ذکر میکند. ۱۰ مدل دستگاهی که در اختیار مرحوم معین بود غالباً در حول سالهای ۱۸۸۹ م ساخته میشد و میدانیم که در همان سال در نسايشگاه بین‌المللی پاریس غرفه بزرگی برای ارائه اختراعات ادیسن گشایش یافته بود و چندین هزار نفر از ماشین تازه ضبط صدا یعنی فونوگراف او دیدن کردند.

سومین سفر ناصرالدینشاه به اروپا نیز در همان سال و برای دیدن نسايشگاه پاریس بود. ناصرالدینشاه در نسايشگاه پاریس نمایشنامه‌ای هم راجع به ادیسن دیده بود چنانکه در سفرنامه خود نقل میکند که در نمایشنامه عقل و جمل هر دو بازی میکردند. جمل میخواست حکیم را از اختراعش بازدارد و عقل او را بکار دعوت میکرد. ناصرالدینشاه

۷- برخی از گفتارهای مذکور را با دستگاه طیف‌نگار صوتی Sona-Graph آزمایشگاه زبانشناسی دانشگاه تهران مورد تجزیه قرار داده و با اندازه‌گیری فورمانهای Formants مصوت‌های آن و مقایسه با زبان فارسی معاصر، مسیر تحول و تکاملی زبان را مورد بررسی قرار دادیم برای مطالعه بیشتر در این مورد رجوع شود به بررسی فیزیکی واجهای زبان فارسی، مقالات سومین کنگره تحقیقات ایرانی - چاپ بنیاد فرهنگ ایران شهریور ۱۳۵۱.

۸- بعد از آن خانواده‌های چندی با من تماس گرفتند و برخی لوله‌هایی که داشتند برای صدابرداری در اختیار من قرار دادند از آنجمله مرحوم مصطفی فاتح چند لوله آوردند که روی نوار منتقل کردم در بین لوله‌های ایشان از آواز سید رحیم - روضه حاج تاج نیشابوری واعظ معروف که سیمانی دلکش و صدای گیرنده داشت، نمونه‌هایی موجود بود این لوله‌ها توسط پدرشان فاتح‌الملک ضبط شده بود.

۹- روزنامه‌های کیهان و اطلاعات پنجشنبه ۱۳۵۱/۳/۱۱ تحت عنوان «سرود ملی عصر ناصرالدینشاه را امشب ساعت ۹:۳۰ از جنگ شب رادیو خواهید شنید». يك فیلم تلویزیونی هم بدستور هنرشناس معاصر آقای بهمن بوستان از کارگاه اینجانب تهیه شد که در ۱۴/۱۰/۱۳۵۲ پخش کردند.

۱۰- المآثر و الاثار - محمد حسن‌خان اعتمادالسلطنه چاپ سنگی ۱۳۰۶ هجری قمری صفحه ۱۰۸.

مینویسد: «الحق تماشاخانه و بازی خوبی بود. اسم حکیمی که مخترع چراغ الکتریسته بوده است ادیسن Edison است» ۱۱. از طرفی اکثر لوله‌های فنوگراف که بازیافت صوتی شد توسط دوست محمد معیرالممالک ضبط شده بود و در ابتدای هر لوله او با صدای خود تاریخ دقیق ضبط و عنوان ضبط را معرفی می‌کند. با وجود قرائن فوق تاریخی که همزمان با نمایشگاه پاریس باشد در لوله‌ها مشاهده نشد و تاریخ لوله‌ها چند سال بعد است که خواهد آمد. لوله‌های مذکور در جلدی مقوائی قرار داشت که بر برچسب روی آن دوست محمدخان با خط خود عنوان و تاریخ لوله را به سینه قمری نوشته است. برخی از لوله‌ها در منزل دوست محمدخان (باغ معیر) و برخی در جاهای دیگر مانند باغ مهرآباد ضبط شده است ۱۲.

در برخی از نشست‌های خانوادگی دوست محمدخان حاضران را معرفی می‌کند هر کجا ضمن گفتار از همسرش عصمت‌الدوله نام می‌برد با نهایت احترام او را حضرت عصمت خطاب می‌کند. بچه‌های خانواده (که وقتی آنها را دیدم برخی پیران هفتادساله بودند) در مکالمات خود با نهایت احترام با والدین خود صحبت می‌کنند، عباراتی از قبیل «حضرت باباجانم» فراوان بگوش می‌خورد. در مذاکرات با سایر وزراء دوست محمدخان گاهی لحن شوخی دارد. در گفتاری که از علی‌اصغرخان امین‌السلطان (اتابک اعظم) باقی مانده، او که پدر همسر اول دوستعلی خان بوده گاه با لحن شوخی با دوست محمدخان صحبت می‌کند ولی صحبت‌های دوست محمدخان و برادرش حشمت‌الممالک در پاسخ شوخی‌های اتابک اعظم رسمی و مؤدبانه و با القاب فراوان همراه است. اتابک در یکی از گفتارهایش می‌گوید: «عصر نوزدهم رمضان، حالت ندارم تقریباً یکساعت ز نیم بغروب مانده، خانه بودم، رفتم باغ تنها بودم، از شدت ضعف و روزه و فلاکت و کسالت که از حرف زدنم معلوم است هرچه خواستم خود را مشغول بکنم نشد، بعد سوار شدم کالسکه را آمدم اینجا خدمت خان معیرالممالک قدری صحبت بکنیم روز بگذرانیم. اینروزها هم روز گذرانیش کار مشکلیه هم شب گذرانیش کار مشکلیه، آن سرشب افطار و اجتماع مردم و بعد از افطار بلافاصله کار کردن و هزار جور جلدلها طی کردن، فهمیدی یانه؟.....»

بطوری که از برخی لوله‌ها برمی‌آید به‌نگام ضبط مرحوم دوست محمد خان با حرکتی سعی می‌کرده گوینده را بخنه بیندازد. القاب خطابیی جالب است مقام مافوق بقیه را بنام کوچک خطاب می‌کند ولی آنها پاسخ او را با القاب فراوان می‌دهند. وی برچسب جلد لوله‌ها، عنوان هر لوله با تاریخ ضبط به سینه هجری قمری نوشته شده است بطورمثال «آواز حاجیانی، سنتور محمد صادقخان، تار آقا حسینقلی، نی نایب‌السلطنه،

۱۱- سفرنامه ناصرالدینشاه چاپ سنگی ۱۳۰۸ قمری صفحه ۳۰۷.

۱۲- مهرآباد که قبلاً نظام‌آباد گفته میشد باغ بزرگی بود که دوست محمدخان معیرالممالک آنرا مهریه عصمت‌الدوله دختر ناصرالدینشاه و همسر خود قرار داده بود و بهین مناسبت آنرا مهرآباد نامید و انواع گلداهای جالب و درختها را پرورش داده بود. آنها سالی چند بار در مهرآباد اقامت می‌کردند.

آواز صادقخان ۱۳۱۷» که قطعه‌ای از همنوازی سه استاد مسلم عصر ناصری است که با نهایت هم‌آهنگی از عهده برآمده‌اند. یا روی لوله دیگر «آواز راک - سنتور میرزا حبیب‌الله خودش خوانده ۹ صفر ۱۳۱۷ (قمری)» (= ۱۹ ژوئن ۱۸۹۹ م) که نمونه ساز و آواز سماع حضور است. در این دو اثر میرزا محمدصادقخان (سرورالملک)، میرزا حبیب سماع حضور با نهایت وقار و متانت اجراهایی دارند، قطعه سماع حضور ابتدا راک است و سپس ضربی است که خود هم خوانده قطعه‌ای با طمانینه و باشکوه است. تصانیف اکثر بر اشعار متین مقدماتی چون سعدی میباشد. قطعات اجرایی توسط آقا حسینقلی نیز از همان استواری برخوردار است. از اختصافات آقا حسینقلی آنست که در ابتدا با آواز خود را معرفی میکند بطور مثال چنین میخواند «حسینقلی میخواند و هم میزند آواز نوا را...» روی بعضی از لوله‌ها دوست محمدخان سلیقه خود را نوشته بطور مثال: «لوله مخصوص دلکش (گوشه‌ای در ماهور) که بسیار دوست دارم». حال نمونه‌ای از گفتارها را ذکر میکنیم:

بیانات عصمت‌الدوله دختر ناصرالدینشاه (همسر دوست محمدخان) که در سال ۱۳۱۶ هجری قمری ضبط شده است: (= ژانویه ۱۸۹۹ میلادی) «... اگر بخواهم شرح اختراعات این دوره را ذکر نمایم سخن بدرازا میکشد. پس سخن را مختصر میکنم. یکی از اختراعات جالب این فنوگراف یا ضبط‌صوت است که مطالب مرا ضبط خواهد نمود و هر زمانی که بخواهم رو خواهد کرد. حال ملاحظه کنید ما که از تمام دول همسایه بزرگتر و مقتدرتر بوده‌ایم، اقتدار ما در انظار خارجه اسباب حیرت و تعجب بود حال چه شده است که ما باید از اختراعات و صنایع آنها در شگفت باشیم در صورتیکه ما قدیم بوده‌ایم و اینها و دولشان جدید، باید دید جهت چیست و علت کدام، یقین دارم بر همگنان پوشیده نیست بل آشکار است، بهتر است که سخن را کوتاه نمایم و الا مطلب زیاد است بجهت یادگار این چند کلمه را تقریر نمودم. شب شانزدهم رمضان سنه ۱۳۱۶ گفته شد. عصمت‌الدوله دخت ناصرالدینشاه پادشاه ایران.» او بهنگام ضبط این لوله در حدود چهل و چهار سال داشته و یکسال قبل از مشروطیت حدود سال ۱۳۲۳ هجری قمری فوت کرد. کلماتش شمرده و آشکار و لعن گفتارش بسبب گفتار معمولی طبقه تحصیل کرده تهران است. جملات را با وقار و متانت ادا کرده است. لوله دیگری که برای نمونه ذکر میکنیم در چهارشنبه ۳ ذی‌قعدة ۱۳۱۶ قمری (= ۱۵ مارس ۱۸۹۹ میلادی) ضبط شده است: «صدای دوست محمدخان) نطق جناب مستطاب اجل اکرم آقای امین‌الملک وزیر داخله است (صدا عوض میشود).. امروز که روز چهارشنبه آخرسال است و معروف به چهارشنبه‌سوری در حضور مبارک حضرت مستطاب اجل اکرم امجد افتم آقای صدراعظم روحی‌فداه جمعی مشرف شده بودند جمعی را افتخار داده بودند باین مرحمت، جناب حکیم‌الملک - جناب خان معیرالممالک - جناب حاج یمین‌السلطنه. جناب اعتمادالسلطنه - اخوی جناب معیرالممالک... حشمت‌الممالک و جمعی دیگر بودند بحضور مبارکشان بد نگذشت... (صدای دوست محمد خان) بلد نیست بگه. اینها را یکی یکی توی دهنش گذاشتیم داره میگه، مات و متحیر نشسته بخدا اگر دروغ بگم

نمی‌تواند حرف بزند، من چکار کنم من فقیر دوست محمد (صدای امین الممالک) این جناب خان معیر الممالک هم نمی‌گذارند من حرف بزنم مرتب کاری میکنند که خنده مانع حرف زدن بشود...»

لوله دیگر از نمونه‌های گفتار خود در دست محمدخان، این لوله در ۱۰ جمادی - الثانی ۱۳۱۷ هجری قمری (= ۱۸۹۹ میلادی) ضبط شده است. «صدای دوست محمد خان... داداش است در فنوگراف حرف میزند، پدر معرفی او را میکند گوش بدهید... صدای عوض میشود) مدتیست که این بنده بخیال افتاده‌ام که نطقی در فنوگراف کرده و یادگاری از خود باقی گذاشته باشم خصوصاً از وقتی که آقای امین‌الملک مرحوم شده‌اند و چند لوله‌ای که در او حرف زده‌اند باقیست... (صدای دوست محمد خان) پسر عزیز من دوست‌علی یادگاری از خود گذارد پدرم میگذارد گوش بدهید دوستان من بازماندگان من. غرض صوتیست کز ما بازمانده. حقیقت جای تعجب است، دو صنعت را دوست میدارم، عکس و فنوگراف که دو نیست را هست میکنند...» شبی که تا پاسی از نیمه شب گذشته کار ساختن پیکاب‌ظریف دستگاه تمام شد. از سینه ظریف‌موم صدایی از گذشته‌های دور در اطاق من طنین افکند، آن صدای استاد زمانه آقا حسینقلی بود که با لحن دودانگت خسته در پرده سپاهان چنین میخواند:

نصیحتی کنمت بشنو و بهانه مگیر
 که این حدیث ز پیر طریقتم یاد است
 مجو درستی عهد از جهان سست نهاد
 که این عبوزه عروس هزار داماد است

